

مالیات از عایدی سرمایه؛ نه معجزه نه دیوهفت سر

صفحه ۸



بخشی از داستان مفصل نیم قرن سیاست ورزی هاشمی رفسنجانی
از کتابچه «کدام هاشمی؟» را بخوانید

عملگرایی در بن بست

چرا واکنش مردم به ماجرای جعل نام خلیج فارس اهمیت اجتماعی بالایی دارد؟

خلیج فارس
اقیانوس وحدت ایرانی‌ها

۱۳، ۱۴

آزاداندیشی ۲۲ هزار نفره

آمار و ارقام از رشد دوبرابری تیم‌های حاضر در سومین رویداد
کرسی‌های آزاداندیشی دانشگاه آزاد حکایت دارد

۱۶

اساتید دانشگاه از گله‌ها و تجارب در توسعه پایان نامه‌های تقاضامحور می‌گویند

گره مقالات تقاضامحور به دست
اساتید باز می‌شود

۸

یادداشت

۳ پیشنهاد برای تغییر سیاست‌گذاری اقتصادی دولت سیزدهم

بعد از حدود یک‌سال و نیم از عمر دولت سیزدهم، به نظر زمان آن فرا رسیده که بتوان دستاوردهای اقتصادی دولت را مورد نقد و بررسی قرار داد. متأسفانه اصلاحات پیشنهادی دولت سیزدهم تقریباً ادامه همان سیاست‌هایی است که طی ۳۲ سال گذشته و بعد از پایان جنگ تحمیلی و از زمان دولت اول مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در کشور پیگیری شده است و آن هم چیزی نیست جز تأکید بر گسترش بازاریگرایی بر پایه مدل استاندارد از اصلاحات اقتصادی جریان اصلی علم اقتصاد. عمده‌ترین برنامه‌های اصلاحات اقتصادی بعد از جنگ تحمیلی تاکنون عبارت بودند از: سیاست تعدیل اقتصادی دولت سازندگی، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، تلاش‌های چندین باره جهت آزادسازی قیمت‌های کلیدی نظیر نرخ ارز و حامل‌های انرژی، کالایی کردن خدمات دولت در حوزه‌های بهداشت، آموزش و دیگر کالاهای عمومی، تأکید بر تنش‌زدایی در سطح منطقه و نظام بین‌المللی به منظور ورود سرمایه خارجی و تکنولوژی به اقتصاد ایران، سیاست‌های دولت در حوزه بازار کار و تلاش‌هایی هرچند ناموفق در جهت کوچک‌سازی دولت که همگی را می‌توان در چهارچوب اصلاحات مدل استاندارد جریان اصلی فهم کرد. در بهترین حالت تفاوت‌ها در دولت‌های پس از جنگ بر نحوه جبران پیامدهای اصلاحات برای طبقات مختلف اجتماعی است. به بیان دیگر همواره نوعی رفت و برگشت بین اصلاحات مدنظر مدل استاندارد اجماع واشنگتنی و سیاست‌های توسعه‌محور دولت سیزدهم در بین دولتمردان طی ۲۲ سال گذشته صورت گرفته که رویکرد دولت سیزدهم با توجه به تلاش‌های دولت جهت جبران تبعات اصلاحات از طریق پرداخت یارانه به اقسشار فرودست و پیگیری یک سری از اصلاحات ساختاری نظیر اصلاح ساختار بودجه، نظام مالیاتی، نظام بانکی و... به مدل استاندارد اجماع و مهم‌ترین ادعای اخیر تیم اقتصادی دولت سیزدهم، نگاهی به برخی از برنامه‌ها و اصلاحات دولت سیزدهم در حوزه اقتصادی بیندازیم. یکی از مهم‌ترین شعارهای دولت سیزدهم تأکید بر مساله کنترل کسری بودجه و رشد نقدینگی با هدف کنترل نرخ تورم بوده است. علی‌رغم تلاش‌های زیاد جهت کنترل رشد نقدینگی به بهای ایجاد محدودیت‌هایی برای بخش واقعی اقتصاد، مهم‌ترین اخیر تیم اقتصادی دولت سیزدهم، کاهش نرخ تورم به حدود ۴۰ درصد پس از افزایش حدود ۶۰ درصدی در همین دولت به دنبال اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی بوده است که در عمل دستاوردی به‌شمار نمی‌آید. واقعیت آن است که آمارها نشان می‌دهد میانگین تورم در دولت قبل نیز همین حدود ۴۰ درصد بوده است. با توجه به این واقعیت که در یک‌سال و نیم اخیر کارگران دولتی در بیش از نیمی از واحدهای تولیدی و خدماتی کشور با کاهش حقوق مواجه شده‌اند، این وضعیت به احتمال زیاد در مورد شعارهای مهم دیگر دولت هم صادق است. یکی دیگر و شاید مهم‌ترین آن دست‌نبستی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا (حدود ۸ درصد) است که آمارها نشان می‌دهد دسترسی به چنین نرخ‌هایی در حال حاضر تقریباً غیرممکن است. ضمن همدل بودن نویسنده متن حاضر با ایده توسعه بازارگرایی، اما پرسشی که به آن باید پاسخ داد آن است که مشکل به کارگیری مدل استاندارد گسترش بازارگرایی چیست؟ و چرا باید سیاست‌گذاری در کشور یکبار برای همیشه از این چهارچوب استاندارد فاصله بگیرد؟

اول آنکه لیست اولیه اصلاحات مدنظر جریان اصلی یعنی اجماع واشنگتنی با تأکید بیش از حد بر دستیابی به منافع کارایی نظم بازاری از طریق به حداقل رساندن مداخلات دولت شامل طیف گسترده‌ای از اصلاحات نظیر انضباط مالی، کنترل مخارج عمومی دولت، آزادسازی مالی، آزادسازی تجاری، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، نرخ‌های بهره رقابتی و تک‌نرخ و... است که در عمل تجربه دنیا نشان داده که نسخه‌ای شکست‌خورده است. در گام بعدی طرفداران نسخه اولیه با وجود پذیرش ناکارآمدی‌های آن علت شکست نسخه اولیه را عمیق نبودن سطح اصلاحات بیان کردند و به آن لیست بلندبالایی دیگر از اصلاحات نهادی نظیر حقوق مالکیت امین، حکمرانی خوب، افزایش شفافیت با هدف کاهش فساد، استقلال بانک مرکزی، اصلاح ساختار مالیاتی، حاکمیت قانون، بهبود محیط کسب و کار، هدفگذاری برای کاهش شکاف طبقاتی و... اضافه کردند. مشکل آن است که این لیست بلندبالا از اصلاحات عموماً راه‌افرو و عدم پذیرش مسئولیت را برای مشاوران و سیاست‌گذاران در دولت باز می‌گذارد و همواره توب به راحتی در زمین مجریان اصلاحات انداخته می‌شود. در واقع در دنیای واقعی دولت‌ها با محدودیت‌های اجرایی مواجهند. در نظر گرفتن این محدودیت‌ها به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و تفکیک اصل سیاست از اجرائیک خطای بنیادی رویکرد مدل استاندارد است. دوم آنکه تأکید بیش از حد نسخه اصلاحی پسوا واشنگتنی بر اهمیت نهادها جهت رفع مشکلات نسخه اولیه، خود بیانگر نوعی جبرگرایی نهادی است به‌طوری که چنین سطح گسترده‌ای از اصلاحات نهادی در عمل به‌ویژه در دوره‌های گذار و بحرانی امکان‌پذیر نیست. بدین خاطر که از یک سو ادبیات پشتیبانی‌کننده از این نسخه قادر به اثبات وجود یک رابطه علی قوی بین یک مدل استاندارد طراحی شده از نهادها و بهبود رشد اقتصادی نیست. یعنی با وجود اینکه می‌دانیم

جناب آقای سردار سرتیپ احمد رضا رادان فرماندهی محترم کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران

انتصاب شایسته جنابعالی به عنوان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که نشانه اعتماد رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و همچنین تجربیات و توانمندی‌های ارزنده و سوابق انقلابی‌تان می‌باشد را تبریک عرض می‌نمایم. برای جنابعالی در راستای اجرای دستورات و منویات فرمانده معظم کل قوا، پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و انجام مسئولیت‌ها و وظایف محوله در جهت برقراری نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی، توفیقات روزافزون مسالت می‌نمایم. همچنین لازم است از زحمات ارزشمند سردار حسین اشتری در طول دوران تصدی فرماندهی تقدیر و تشکر نمایم.

علی اکبر ولایتی

نیم قرن سیاست ورزی کدام هاشمی؟

کتابچه «کدام هاشمی؟» متن کامل روایت پادکست رادیو مضمون
صبح دوشنبه ۱۹ دی ماه در کیوسک‌های مطبوعاتی



رادیو مضمون کاری از
گروه پادکست‌های «همیشه در میان»
در همکاری با «روزنامه فرهیختگان»

علاقه‌مندان به تهیه این
کتابچه می‌توانند با شماره
۰۲۱۶۲۹۹۹۴۹۵
تماس بگیرند



نیم قرن سیاست ورزی: کدام هاشمی؟

رادیو مضمون

نیم قرن سیاست ورزی: کدام هاشمی؟

رادیو مضمون